

تحلیل ویژگی‌های یک محله سالم از دیدگاه شهروندان (نمونه موردی: محله ۳ شهر ایوان)

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۹۶/۰۱/۲۸

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۰۱/۲۴

رحیم بردی آنامرادنژاد* (دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه مازندران)
سعید ملکی (دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز)
فاطمه رزمگیر (دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز)
لیلا کشتکار (دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز)

چکیده

مطالعه حاضر در راستای تحلیل ویژگی‌های یک محله سالم در محله ۳ شهر ایوان در استان ایلام به انجام رسیده است. روش پژوهش «توصیفی - تحلیلی» است که به شیوه پیمایشی در آن به جمع‌آوری داده‌های تحلیلی اقدام شده است. جامعه نمونه پژوهش ۳۲۱ نفر از شهروندان محله ۳ شهر ایوان هستند که بر اساس فرمول عمومی کوکران و به شیوه تصادفی ساده انتخاب شده‌اند. برای تحلیل ویژگی‌های محله سالم از ۴ مؤلفه میزان آسایش، میزان امنیت، قابل دسترسی بودن و دسترسی محله، جهت ارزیابی میزان رضایت شهروندان محله استفاده شده است. تحلیل داده‌ها متناسب با اهداف فرعی ترسیم شده از طریق آماره T و تحلیل رگرسیون خطی انجام گرفته است. نتایج تحلیلی پژوهش نشان می‌دهد که مؤلفه دسترسی با میزان اختلاف از میانگین ۴۱/۳۹ و میزان اریب از مرکز ۰/۱۲۳ از دیدگاه شهروندان در وضعیت مناسبی در محله قرار دارد. تحلیل رگرسیونی مؤلفه‌های پژوهش نشان می‌دهد که با توجه میزان بتای بدست آمده و سطح معنی‌داری با اطمینان ۰/۹۵ مؤلفه‌های پژوهش در سالم سازی محله ۳ ایوان تأثیر مستقیم دارند.

واژه‌های کلیدی: محله سالم، رضایت شهروندان، شهر ایوان

مقدمه

رشد فزاینده ابعاد شهرنشینی و شکل‌گیری مقیاس جدیدی از رشد شهری در طی دهه‌های اخیر موجب شده است که شهر و شهرسازی معاصر با چالش‌های تازه‌ای چون افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی، کم‌رنگ شدن هویت و حس تعلق اجتماعی، گسترش مشکلات اکولوژی اجتماعی و محیطی، نابرابری‌های شگرف اجتماعی اقتصادی و در مجموع کاهش کیفیت زندگی مواجه شود. به دلیل همین گستردگی ابعاد و تغییر در ماهیت و پیچیدگی مسائل شهری، ضرورت جامع‌نگری و توجه به هم‌کنشی‌های مسائل به منظور حل پایدار آنها، اجتناب‌ناپذیر می‌نماید (حاجی پور، ۱۳۸۵: ۳۷). یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر رضایتمندی و کیفیت بالای زندگی، دارا بودن حس تعلق مکانی، خاطره و قصه و هویت‌مندی است. بخش عمده‌ای از این ویژگی‌ها مکان‌مند بوده و هستند (حسینی و همکار، ۱۳۹۳: ۷۰). محله‌های شهری به عنوان کوچکترین واحد سازمان فضایی شهر در پایداری شهری نقشی اساسی ایفا می‌کنند، به گونه‌ای که شکل‌گیری هویت محله‌ای، اقتصاد محلی، ایمنی، توسعه فضایی و کالبدی و تحکیم روابط اجتماعی با پایداری محله‌های شهری ارتباط می‌یابد. در دهه‌های اخیر، با تغییرات شگرف ساختار فضایی محله‌های شهری از نقش سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آنها کاسته شده و نارسایی‌هایی چون آلودگی‌های زیست محیطی، بیکاری، فقر، حاشیه‌نشینی، بدمسکنی، آسیب‌های اجتماعی - روانی و فرهنگی، به ویژه اتلاف سرمایه‌های مادی و معنوی، را به همراه داشته است (توکلی‌نیا و استادی سیسی، ۱۳۸۸: ۳۰). اجتماع محلی مناسب‌ترین بستر برای دستیابی به توسعه پایدار شهری است؛ زیرا روابط بوم‌شناسانه با تجارب جمع و تحت میثاق اجتماعی و تعهدات اخلاقی اعضا، ارج گذاشته خواهد شد و شیوه معیشت و بهبود سطح زندگی، هماهنگ با ظرفیت‌های محیط و با دلسوزی به یک دیگر و نسل‌های آینده برگزیده خواهد شد. (صرافی، ۱۳۷۹: ۱۳۷). این‌ها مکان‌هایی هستند که افراد در آن ساکن بوده و مکرراً در حال رفت و آمد در آن هستند. این گونه مکان‌ها در برگیرنده عمیق‌ترین معانی بوده کانون تعلقات عاطفی و احساسات بسیار قوی می‌باشند (chow&healey, 2008:336). از منظر برنامه‌ریزی شهری، محله را می‌توان به صورت بخش قابل شناسایی از محدوده‌ای شهری و یا محدوده‌ای ترکیب شده از کاربری‌های تأمین‌کننده نیازهای ساکنان در ساختار شهر تعریف کرد (Cowan, 2005: 265). امروزه اغلب مردم این احساس عمومی را دارند که مناطق شهری نامطلوب و نامناسب برای زندگی و فعالیت می‌باشد. زیرا افزایش جمعیت و رشد شتابان شهرنشینی در دهه‌های گذشته آثار سویی را به دنبال داشته است، که از آن جمله می‌توان به توزیع کالبدی ناموزون

شهرها، ایجاد محلات حاشیه‌ای، فقر و افت استانداردهای زندگی، کمبود مراکز خدماتی و نهایتاً نابرابری در برخورداری از امکانات اشاره نمود (تقوایی و کیومرثی، ۱۳۹۰: ۲۳). با چنین تفاسیری در مطالعه حاضر تلاش شده است که موضوع دستیابی به محله سالم با توجه به مؤلفه‌های مطرح شده برای آن در محله ۳ شهر ایوان مورد ارزیابی قرار گیرد. این محله نیز متناسب با رویکرد محله سالم و پایدار به عنوان یکی از ارکان اصلی دستیابی به توسعه پایدار شهری نیازمند دستیابی به اصولی است که آن را به سوی سالم بودن رهنمون می‌سازد. آشنایی با دیدگاه شهروندان برای ممارست در بهبود نقاط ضعف و تقویت نقاط قوت‌های موجود در این زمینه بسیار راهگشا خواهد بود.

درباره اهمیت و ضرورت تحقیق نیز باید گفت که محله‌ها و واحدهای همسایگی به‌عنوان محیطی که بیشترین وقت افراد در آنها سپری می‌شود؛ پلی بین جنبه اجتماعی و زیستی زندگی آنها و تأثیر بسیار عمیقی بر سلامت جسمانی و روانی دارند. بسیاری از محله‌های شهری معاصر با ویژگیهای جسمی و روانی ساکنان خود سازگاری کافی ندارند محدودیت فضاهای سبز و باز و دیگر فضاهای عمومی، محدودیت کمی و کیفی خانه‌های مسکونی، کیفیت پایین محیط شهری، آلودگی هوا و مدیریت نامناسب ضایعات شهری، آلودگی صوتی و دیگر مشکلات محیطی عوامل تهدید سلامت انسان شهری امروزی را تشکیل می‌دهند. علاوه بر این سبک جدید زندگی و تغییرات اقتصادی نیز به این مشکلات دامن زده و منجر به کمرنگ شدن نقش محلات در زندگی روزمره افراد از طریق وابستگی به اتومبیل، عضویت در جوامع مجازی، صرف وقت بیشتر به رایانه و تلویزیون و کاهش تعاملات اجتماعی چهره به چهره و ناپایداری اجتماعی شده است. از این رو بررسی ارتباط مؤلفه‌های کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی محله با سلامت ساکنان و توجه و تأکید بر نقش محله در سیاست‌های برنامه‌ریزی شهری و توسعه پایدار از ضرورت‌های انجام این تحقیق است.

پس از جنگ جهانی دوم و ظهور معماری مدرن، تفکر منطقه‌بندی و همچنین ازدیاد وسایل نقلیه، الگوی جدایی کاربری‌ها و رشد بی‌رویه شهرها بر اساس تفکرات مدرنیسم، در سراسر آمریکا تحقق یافت. گسترش حومه‌های خوابگاهی و جدایی کامل محل سکونت از سایر کاربری‌ها نیز صورت گرفت (بصیرت، ۱۳۸۴: ۲۸). بررسی‌های رانز و شریکل در سال ۱۹۴۶ نشان داد که تاریخ تفکر درباره واحد همسایگی یا واحدهای محله محور به حدود سال ۷۹۳ میلادی در کیوتوی ژاپن می‌رسد. لوئیز ممفورد در سال ۱۹۶۱ به نقل از توماس مور در کتاب اتوپیا در سال ۱۵۱۶ می‌نویسد: هر آرمان شهری به چهار بخش تقسیم می‌شود، اما

سازمان محلی صمیمی‌تر یا خودمانی‌تری که محله نامیده می‌شود، مبتنی بر خانواده شکل می‌گیرد و پایه کل تقسیمات شهری، محله است (Cowan, 2005: 259). موضوع اصلی نظریه‌های جامعه‌شناسی قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم این بود که جامعه در حال دگرگونی از یک جامعه مبتنی بر روابط نخستین اجتماع کوچک و بسته و نیز مبتنی بر ارتباطات خونی، خویشاوندی و نزدیک به یک جامعه در حال تبدیل شدن به جامعه صنعتی تشکیل یافته از روابط ثانویه است. این دگرگونی، انسجام اجتماعی را تهدید می‌کند و آثار عمیقی بر زندگی افراد باقی خواهد گذاشت (دیکنز، ۱۳۷۷: ۴۸).

شاید بتوان این گونه گفت که از یک صد سال پیش بدین سو، مفهوم واحد همسایگی نقش قابل توجهی در انگاره‌های طراحی و برنامه‌ریزی اجتماعات محلی داشته است. اصطلاح واحد همسایگی اولین بار در دهه ۱۹۲۰ توسط کلارنس پری تعریف شد و در طرح منطقه شهری نیویورک به عنوان ابزاری اجتماعی برای مواجهه با بی‌انتظامی و بی‌قوارگی شهری نیویورک و همچنین مقابله با ترافیک آزار دهنده و تأمین ایمنی برای نواحی مسکونی به کار گرفته شد (سعیدنیا، ۱۳۸۲: ۶۸). از سویی دیگر طرح رایت و اشتاین برای طراحی شهر رادبرن که بر اساس نظریه پری بود، متشکل از سه محله با جمعیت ۷۵۰۰۰ - ۱۰۰۰۰۰ نفر جمعیت برای هر محله می‌باشد که در ۲۵ کیلومتری نیویورک در ایالت نیوجرسی قرار دارد. هر محله به چندین سوپر بلوک تقسیم شده و هر کدام نیز به دو تا سه بلوک و هر بلوک در حدود ۲۰ واحد مسکونی را شامل می‌شود. در مرکز محله یک دبستان با حداکثر با حداکثر فاصله حدود ۸۰۰ متر از خانه‌ها قرار داشته و مراکز فرهنگی، تجاری، فضاهای بازی کودکان در محل اتصال محله‌ها قرار دارد. مراکز اجتماعی آن نیز دارای شعاع عملکردی ۱۶۰۰ متر می‌باشد. بررسی الگوهای ارائه شده اولیه در این دوره تاریخی نشانگر دستیابی به نهاد اجتماعی در محیط و پاسخگویی به نیاز اسکان مردم در بعد از جنگ به عنوان اهداف اولیه تشکیل محله‌ها در چارچوب منطق‌های متفاوت جانمایی خدمات‌رسانی به اهالی و تحت لوای ترکیب ساخته‌های مصنوع بشر و طبیعت قابل شناسایی است (سینگری و مفیدی شمیرانی، ۱۳۹۰: ۷۵). (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱: تحلیل دیدگاه‌های طراحی مجتمع‌های زیستی (در واحد محله) در اوایل قرن بیستم میلادی

نظریه‌ها خصوصیات	تجربه‌گرایان (Empiricism)	خردگرایان (Rationalism)
مبانی طراحی	تجربیات گذشته مردم و طراحان	طراحی مبتنی بر تصور و پیش بینی زندگی آینده
نظریه‌ها و الگوپردازی	نهضت باغشهر، هاوارد (۱۹۰۲) واحد همسایگی کلارنس پری (۱۹۲۷)	کنگره معماری مدرن (CIAM) ۱۹۳۳ م. لوکوربوزیه (۱۹۶۰-۱۹۵۳)، آدولف لوس (۱۹۳۰)
ایده اصلی	طراحی خانه‌های مسکونی با خانه‌های تک خانواری	طراحی ساختمان‌های مسکونی مرتفع، ۳۳۰ واحد مسکونی در ساختمان ۱۲ طبقه (محله عمودی)
نمونه کاربردی	رادبرن و نیوجرسی، (۱۹۲۹) با طراحی اشتاین و هنری رایت	مجتمع مسکونی سیت رادیوز، مارسی، فرانسه، (۱۹۵۲-۱۹۴۶) با طراحی لوکوربوزیه
معایب طرح	- انفصال آن از محیط‌های مسکونی مجاور - ایجاد ابهام به خاطر تفکیک سواره و پیاده - تنزل کیفی زندگی در فضای عمومی به دلیل تفکیک عملکردها	- الگوی خشک خردگرایانه - ساختمان‌های بی‌روح و توسعه‌هایی که بر اساس ساختمان‌های مرتفع در درون یک شبکه خشک شطرنجی خیابان‌ها قرار داشتند.
مزایای طرح	- فضاهای پیاده و ایمن - قابلیت رفتارهای مستقل و خوداتکاء برای کودکان - دسترسی آسان به خدمات و مراکز محله‌ای به خاطر ترکیب هندسی آن - کاهش سفرهای روزانه شهری	- بر اساس رفتارهای آینده انسان - ترکیب کاربری‌ها در خود بنا - دسترسی آسان و عمودی به خدمات مانند فروشگاه‌ها، مدرسه در طبقات ساختمان - کاهش سطح اشغال زمین و گرایش به گسترش عمودی

مأخذ: عینی‌فر، ۳۹:۱۳۸۶

توسعه پایدار: مسیر توسعه فرآیند تغییر در حرکت اجتماعات انسانی به جلو، به وسیله علوم مختلف و همچنین فرهنگ و ارتباطات و مدیریت می‌باشد (Morse, 2008: 341). منطق اصلی توسعه پایدار بهبود سطح استاندارد زندگی مردم و بخصوص بهزیستی کسانی است که از کمترین مزیت‌ها در جامعه برخوردارند، در عین اجتناب از هزینه‌های غیر قابل جبران آینده. بحث‌هایی در این بین است مبنی بر آن که توسعه پایدار در صورتی عملی می‌شود که میزان مصرف توسط انسان از حدی که ظرفیت محیط حکم می‌کند فراتر

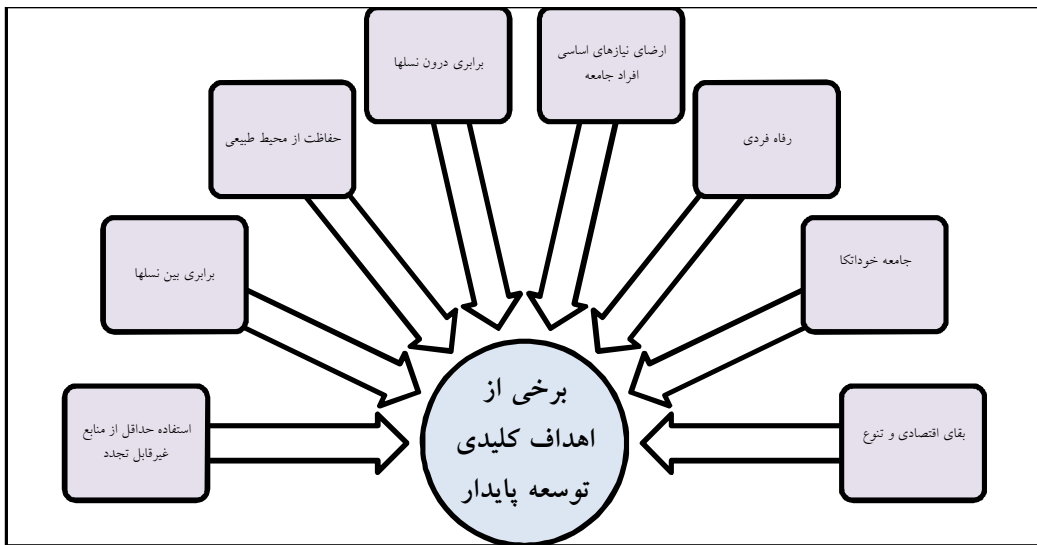
نرود(زیاری و جانبابانژاد،۱۳۹۰:۱۶). پایداری، ثمره فعالیت‌هایی است که از راه ارزیابی توانایی‌هایی که منجر به پایداری سیستم می‌شود حاصل می‌گردد(Jackson,2010:1).

جدول شماره ۲: ابعاد پایداری در توسعه پایدار

فرهنگی	اجتماعی	اقتصادی	اکولوژیکی	بعد
- مناسبات انسان با طبیعت - نگرش و باورها در خصوص ارتباط با حفظ محیط زیست - پاسداری از ارزش‌ها و ...	- آموزش - امنیت - مشارکت - برابری فرصت‌ها - توانمندسازی - توسعه نهادی	- اشتغال - رسمی - رشد - عدالت - کارایی - ثبات	- محیط زیست سالم برای انسان‌ها - استفاده منطقی از منابع طبیعی - تجدیدپذیر - محافظت از منابع طبیعی - تجدیدناپذیر - یکپارچگی اکوسیستم: ظرفیت تحمل، تنوع زیستی و ... - کاهش حجم ضایعات، آلودگی‌ها و بازیافت آنها و ...	مشخصه

مأخذ: کاظمی محمدی، ۱۳۷۸: ۳۹

فاکتورهایی که برای پایداری توسعه محلی اساسی هستند عبارتند از: تقاضا و مالکیت از جامعه، امکان‌پذیری، برنامه‌ریزی بر پایه نیازها، عدم تمرکز و انتقال مسئولیت‌ها و منابع، ساخت و ساز در سطح محلی و ارتقاء مهارت‌های فنی، تعهدهای سیاسی و حمایت‌های اداری، محیط مساعد و فاکتورهای فرهنگی - اجتماعی، استفاده از تکنولوژی مناسب که در سطح محلی پایدار باشد، مدیریت مالی شفاف و کارا، پردازش‌های مؤثر و ارزیابی‌های دوره‌ای، پایداری سیاسی (World Health Organization,2003:7).



شکل شماره ۱: برخی مشخصات و اهداف کلیدی توسعه پایدار بر اساس گزارش برانت لندن

Source: Meclaren,2001:184

به این ترتیب نحوه نگرش کلی به محله را می توان در عبارت زیر معنی نمود که: محله های پایدار، زیستگاه های طبیعی هستند که انسان ها و دیگر گونه ها در یک ارتباط همزیستی زندگی می کنند، سیستم های کالبدی (طبیعی یا مصنوع) جریان های انرژی و آب را کنترل می کنند، بر کیفیت هوا و خاک اثر گذاشته، اقلیم را متأثر می سازد (Barton,2004:138).

مفهوم محله: منطقه بسیار کوچکی که در داخل آن مردم به دلیل آشنایی با یکدیگر در همسایگی هم زندگی می کنند، محله نام دارد (لینچ، ۱۳۸۱:۵۲). مفهوم محله شهری در برخورد نخست تداعی کننده حوزه جغرافیایی پیچیده در شبکه فضایی شهر است که دارای کاربری در درجه نخست مسکونی و آن گاه انواع دیگر از کاربری های اداری، تجاری، خدماتی، و مانند آن است. واقعیت جامعه شناسی محله به مراتب پیچیده تر است. به نظر جامعه شناسان، معرف های سنتی محله با واحد حیات جمعی و جامعه پذیری در ارتباط است. این رویکرد، به طرح خدمات وزانه حیات اجتماعی شهروندان با اشکال سنتی روستا و غیره توجه دارد. در نتیجه بسیاری از شهرها، بر محله های حرفه ای با اشکال سازمانی به شکل مطلوب تأکید دارند (ربانی، ۱۳۸۲:۱۵۴). شناخت تاریخ تفکر پیدایش محله به عنوان عنصر شهر نیز می تواند در برداشت صحیح از این مفهوم نقش مهمی داشته باشد (Galster,2001:2111). محله مفهوم ثابت و ایستایی در مباحث علمی ندارد؛ به گونه ای که

درباره مفهوم و ابعاد آن مباحث فراوانی مطرح شده است (کلانتری خلیل‌آباد و ملاحسینی اردکانی، ۱۳۹۱: ۴۱). در واقع، محله در هر یک از حوزه‌های علمی، از زاویه دید خاص آن تعریف شده است که در جدول زیر می‌توان برخی از آن‌ها را دید:

جدول ۳: شناخت مفهوم محله بر اساس عناصر و مؤلفه‌های اصلی آن در حوزه‌های علمی مختلف

مضامین مشترک	عناصر و مؤلفه‌های اصلی	حوزه‌های علمی
۱- دارا بودن محدوده مشخص در شهر ۲- حس همبستگی و روابط متقابل بین ساکنان	۱- دارا بودن حس همبستگی و روابط متقابل ۲- محله به عنوان واحد اجتماعی ۳- دارا بودن محدوده و حریم معین	جامعه‌شناسی شهری
۳- هویت جمعی و اشتراک اهداف بین ساکنان	۱- حوزه مسکونی در مقیاس کوچک ۲- روابط میان همسایگان ۳- افراد ساکن در یک حوزه مسکونی ۴- کیفیت روابط و تعاملات	علوم اجتماعی
۴- یکپارچگی فضا و فعالیت در محدوده محله	۱- محدوده مشخص و معین در بافت شهر ۲- رویارویی و برخورد چهره به چهره ۳- تشریک مساعی برای مرتفع ساختن مسائل مشترک ۴- هدفمندی سکونت در موقعیت مکانی معین	جغرافیای شهری و اجتماعی
	۱- بخش یا محدوده قابل شناسایی در شهر ۲- هویت و موجودیت اقتصادی و اجتماعی پویا ۳- توجه به معیارهای کالبدی و اجتماعی به صورت یکپارچه ۴- دارا بودن ترکیب متوازی از فعالیت‌ها ۵- دارا بودن مرکز معین ۶- وجود ارتباطات اجتماعی در ظرف مکانی	برنامه‌ریزی شهری

مأخذ: عبدالهی و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۱

توسعه محله‌ای: توسعه مفهوم محله به صورتی که کاربری‌های غیرسکونت‌ی را در نظر بگیرد، دیدگاهی مختص قرن حاضر است؛ شناخت مفهوم توسعه محله‌ای از منظر برنامه‌ریزی شهری می‌تواند زمینه‌های طراحی و توسعه شهری از نوع انسانی و فرهنگی را فراهم گرداند. مطالعه توسعه محله‌ای راه را برای شناسایی عناصر انسانی و فرهنگی قابل استخراج در بافت محلات سنتی شهرهای بزرگ هموار و چشم‌انداز مدیران شهری را در ارائه خدمات اجتماعی و فرهنگی در سطح محله مثبت می‌گرداند. از جمله اهداف کنونی مدیریت و برنامه‌ریزی شهری طراحی و سازمان‌دهی محله‌های شهری بر اساس الگوی توسعه از نوع "اجتماع"، یعنی خرد و در مقیاس کوچک است و این موضوع چارچوب سنتی توسعه شهری در مقیاس "جامعه‌ای" و کلان را مورد سؤال و ارزیابی قرار می‌دهد. از جمله تبعات این تحول

توجه به حوزه تغییر فرهنگ اسکان شهری مبنی بر پذیرش زندگی در واحدهای کوچک‌تر محلی در شهر است (معصومی، ۱۳۹۰: ۲۵). آن چنان که امروزه توجه و تأکید برنامه‌ریزی و مدیریت شهری به سطوح پایین‌تر و خردتر و عینی‌تر از زندگی شهری معطوف شده است (Friedman, 1993: 43). توسعه محله‌ای بیانگر فرآیندی است که بر اساس آن سرمایه‌ای که اجتماع به صورت بالقوه قادر به جمع‌آوری و استفاده از آن‌هاست، افزایش می‌یابد تا با کمک آن‌ها کیفیت زندگی مردم محله را بهبود بخشد (مافی و رضوی، ۱۳۹۱: ۱۲۱). لازم به ذکر است که این فرآیند در برنامه‌ریزی محله‌ای به اندازه خود برنامه اهمیت دارد (Townsend, 2005: 12).

معیارهای پایداری محله: در اغلب نظریه‌ها و تجربیات موجود در مقیاس جهانی، اصول و معیارهای بسیاری را می‌توان برای توسعه پایدار در مقیاس شهر و محله مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. از جمله این اصول و معیارها می‌توان به سرزندگی، هویت، پویایی - سازگاری، امنیت، تنوع، خوانایی و دسترسی اشاره کرد که به طور مختصر به آن‌ها پرداخته می‌شود:

الف) هویت و سرزندگی: وضوح در درک از محله و سهولت در شناخت و برقراری پیوند بین اجزاء آن با سایر رویدادها و مکان را می‌توان در زمره هویت محله دانست. معنی در محله با شکل فضایی و کیفیت آن در ارتباط مستقیم است، در حالی که وابستگی شدید به فرهنگ نیز دارد. محله با هویت، محله‌ای است که از سایر مکان‌ها و محله‌ها قابل تمایز است (لینچ، ۱۳۷۶: ۱۶۷). محله خوب و پایدار، سکونتگاهی است که سلامت و بهزیستی ساکنان در بقاء موجودات زنده در آن تأمین باشد. از جمله عوامل مؤثر در ایجاد سرزندگی در محل، وجود فضای عمومی مناسب است. این فضاها با میزان جذابیت خود و اثرگذاری بر ذهن انسان می‌توانند سرزندگی محله را تأمین کنند. برای مثال، تخصیص فضای مناسب برای عابرین پیاده، انجام فعالیت‌های اقتصادی، ترافیک آرام، امکانات و زمینه‌های مناسب برای خرید مردم (نه فقط از جنبه اقتصادی، بلکه از جنبه‌های دیگری مانند تفریح)، فضاهای تفریحی نظیر سینما و تئاتر، مکان ورزشی، موزه‌ها، مراکز فرهنگی، رستوران و کتابخانه موجبات ارتقاء سرزندگی محله را فراهم می‌کنند (چپمن، ۱۳۸۴: ۱۵۸ و لینچ، ۱۳۷۶: ۱۵۵). بسیاری از محلات قدیمی که از بافت‌ها و فضاهای سرزنده برخوردار بوده‌اند، محصول دوره طولانی بوده که تکامل یافته و امروزه در جهت نگهداری آن‌ها برنامه‌ریزی می‌شود.

ب) پویایی و سازگاری: همراه با تداوم زندگی انسان‌ها و زنده بودن طبیعت، محله‌های شهری نیز با حالت ارگانیک و پویا سیر تاریخی خود را طی می‌کنند. محله‌ها مکان

تلاقی تعاملات و عوامل اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست‌محیطی هستند. مثال‌هایی از تداوم و عوامل فوق را می‌توان در این موارد دید: تداوم زندگی ساکنان محلات از گذشته تا حال، تغییر و تداوم در انواع و الگوی فعالیت‌ها، پویایی مکان محله‌ها نسبت به مرکز شهر، کمیت، کیفیت و ارزش بناها و ساختمان‌های مسکونی و غیرمسکونی، الگو و عمر ساختمان‌ها، الگوی توزیع فضاهای باز سبز و شبکه معابر، مصالح ساختمانی بومی و غیربومی، الگوی مالکیت، تجهیزات و فعالیت‌های جدید شهری در قالب نیازهای جدید اجتماعی و فرهنگی، منظر منطقه از نظر طبیعت و مرزهای محله.

ج) تنوع: خصلت‌های ساکنان محلات و فعالیت‌های آن‌ها به عنوان دو عامل مهم و تعیین کننده در کیفیت زندگی محسوب می‌شوند. هر دو خصلت مذکور و به تبع شرایط مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی در جوامع مختلف، شهرهای مختلف و محله‌های مختلف، از تنوع لازم برخوردار هستند. این در حالی است که شرایط فوق‌الذکر در مسیر تاریخ تغییر کرده و شرایط جدید جایگزین می‌شوند. اصل تنوع را می‌توان در قالب اصول و معیارهای کارایی، سرزندگی و پایداری محله‌ها در نظر گرفت. با رعایت این اصل، شرایط کالبدی و فضاهای محله به گونه‌ای خواهند بود که قرار گرفتن در راستای نیازهای جدید، از جامعیت برخوردار بوده و نیازهای متنوع را پاسخگو باشد (Wheeler, 2004: 199).

د) دسترسی: برای ما مهم است که بدانیم در شهر و محله پایدار، توانایی دسترسی به سایر افراد، فعالیت‌ها، منابع، خدمات، اطلاعات و اماکن (شامل کمیت و تنوع عناصری که می‌توان به آنها دسترسی پیدا کرد) چگونه است؟ (نوریان و عبدالهی ثابت، ۱۳۸۷: ۵۶).

تراکم و ظرفیت قابل تحمل محله: تراکم مفهومی است که در انواع مفاهیم و واژه‌های مختلف خود (تراکم‌های جمعیتی، ساختمانی، مسکونی، خالص . ناخالص) و در سطوح مختلف کالبدی- فضایی، از موضوعات و شاخص‌های کلیدی و تعیین کننده است و پایه مباحث سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و طراحی برنامه‌های توسعه را تشکیل می‌دهد (عزیزی، ۱۳۸۲: ۶۷).

امنیت: امنیت اجتماعی در تعریف کلی عبارتست از تضمین پاسداری از جامعه در برابر خطر، تهدیدات و ایجاد فرصت‌ها به منظور ارتقا و بهینه‌سازی جامعه (زیاری، ۱۳۹۰: ۲). یک شهر پایدار باید دارای ایمنی و امنیت و حفاظت بوده و از نظر بصری و عملکردهای محیطی سازمان یافته و با نظم و عاری از آلودگی، سر و صدا و تصادفات و بزهکاری باشد (بزی، ۱۳۹۱: ۲۳۶). مهم‌ترین نیاز برای درک، شناخت و استفاده از مواهب محیط، تأمین نیازهای ایمنی است. در صورت عدم تأمین امنیت، ذهن فارغ نخواهد شد. بنابراین

فرصت‌های خود را صرف درک امکانات دیگر نخواهد کرد (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۳۶). توقع امنیت در میان نیازهای بشری پس از احتیاجات اولیه، مبرم‌ترین جایگاه را دارد (جعفری، ۱۳۸۹: ۲۲). مطالعات و پژوهش‌های چندی پیرامون ارزیابی و شناخت ویژگی‌های محله صورت گرفته است که در ذیل به چند نمونه اشاره شده است:

گالستر و همکاران (۲۰۰۷) در مقاله‌ای با عنوان «آیا محلات دارای خود پایداری هستند؟» به مطالعه در مورد ۵ شهر آمریکایی براساس واقعیات آماری در زمینه خودپایداری محلات شهری در وضعیت‌های مختلف پرداخته است. در این تحقیق از شاخص‌های مختلفی نظیر میزان مالیات، میزان زاد و ولد، ارزش فروش خانه‌ها و غیره استفاده شده است. نتایج بررسی نشان داده است که فرایند جرائم به‌طور قابل ملاحظه‌ای با کاهش نرخ فقر ارتباط دارد (Galester, et al, 2007: 167).

ذاکر حقیقی و همکار (۱۳۹۴) در تحقیقی که در محلات اهواز انجام داده‌اند ضمن اشاره به کاستی‌های موجود پیشنهاد کرده‌اند که این محلات نیازمند مدیریت خردمندانانه برای بهینه‌سازی و استفاده از پتانسیل‌های موجود هستند. علاقه شهروندان به محله و مشارکت در امور مربوط به محله برای از بین بردن مشکلات آن می‌تواند پتانسیل خوبی برای بهبود وضع محله باشد.

زیاری و همکار (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «اصول و معیارهای شهر سالم» به بررسی شاخصها و معیارهای شهر سالم پرداخته و یادآور شدند که چهار گروه اصلی شاخصها که از طرف دفتر منطقه اروپایی سازمان بهداشت جهانی مورد توجه قرار گرفته عبارتند از الف) شاخصهای بهداشتی، ب) شاخصهای مراقبت بهداشتی، ج) شاخصهای زیست محیطی و د) شاخصهای اقتصادی اجتماعی. در پایان نتیجه‌گیری کردند که شهر سالم می‌تواند محصول زنجیره‌ای از اقدامات منطقی، هماهنگ و برنامه محور باشد و از این رو تأمین آن در گرو جریان داشتن این اندیشه در کلیه سلسله مراتب طرحها و برنامه‌های شهری است.

عظیمی و مقدم (۱۳۹۰)، در مطالعه‌ای تحت عنوان مفهوم و جایگاه محله در شهر "جنبش فکری نو شهرسازی یا الگوی واحد همسایگی کلارنس پری" به این نتیجه رسیدند که با آن که نظریه واحد همسایگی نقش قابل توجهی در انگاره‌های برنامه‌ریزی و طراحی اجتماعات محلی داشته، اما الگوی توسعه محله‌ای سنتی به دلیل توجه به مباحث توسعه پایدار، مشارکت شهروندی، ابعاد اجتماعی محلات و توسعه سرمایه اجتماعی، خوداتکایی اقتصادی و غیره بر الگوی واحد همسایگی برتری دارد. مطالعه دیگری که توسط کافی و فتحی (۱۳۹۰)، با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر دلبستگی به محله مسکونی (مطالعه

موردی: شهر کرمان) انجام گرفته، یافته‌ها نشان داد که متغیرهای پیوندهای اجتماعی محلی، دسترسی به امکانات و تسهیلات، احساس امنیت و نظم اجتماعی اثرات معنی‌داری بر دلبستگی به محله مسکونی دارند. همچنین، تأثیر غیرمستقیم متغیر مدت اقامت که از طریق پیوندهای اجتماعی محلی صورت می‌گیرد، بیش از تغییر آن بر متغیر وابسته است.

شبعه و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان بررسی و تبیین مفهوم محله سالم در محلات سنتی ایران (مطالعه موردی: محله امامزاده یحیی تهران)، به شناسایی عوامل تأثیرگذار بر سلامت افراد در مقیاس محله و نحوه تأثیر فرم کالبدی و کیفیت محیط بر سلامت افراد پرداخته و نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آماری داده‌های پرسشنامه‌ای نشان داد که هیچ یک از شاخص‌های در نظر گرفته شده برای وضعیت سلامت در نمونه مورد مطالعه در حد مطلوبی نیستند.

نتایج تحقیقات ابراهیم زاده و همکاران (۱۳۹۳)، درباره محلات قدیم و جدید مراغه نشان می‌دهد محلاتی که در بافت جدید در وضعیت بهتر و در رتبه‌های بالا قرار داشتند، در کل شهر مراغه نیز این محلات در رتبه‌های اول قرار دارند، و محلاتی که در بافت قدیم به نسبت بقیه وضعیت بهتری داشتند در کل شهر مراغه نیز در میانه‌های جدول قرار دارند، البته محلاتی که در بافت قدیم از وضعیتی بهتری برخوردار نبودند، در مقایسه کل شهر نیز این محلات در رتبه‌های آخر قرار دارند.

روش تحقیق

مطالعه حاضر به شیوه «توصیفی - تحلیلی» و با بهره‌گیری از روش پیمایشی جهت ارزیابی میزان رضایت شهروندان از شاخص‌های منتخب برای تحلیل محله سالم در محله ۳ شهر ایوان به انجام رسیده است. جهت دستیابی به داده‌های تحلیلی پژوهش با استفاده از فرمول کوکران و به روش تصادفی ساده ۳۲۱ نفر از شهروندان محله ۳ شهر ایوان انتخاب شده و مورد پرسش قرار گرفته اند. پرسشنامه استفاده شده حاوی سؤالاتی در مورد مؤلفه‌های سلامت محله‌ای می‌باشد و شامل ۴۰ سوال بسته بر اساس طیف لیکرت ۵ مقیاسی از خیلی کم تا خیلی زیاد می‌باشد. جهت تحلیل داده‌های پژوهش از آزمون T و مدل برازش رگرسیونی استفاده شده است.

سؤال‌های پژوهش

- میزان رضایت‌مندی شهروندان از شاخص‌های محله سالم چگونه است؟

- آیا بین شاخص‌های منتخب پژوهش و سلامتی محله جهت بهبود پایداری و سلامت در محله رابطه معنی‌دار وجود دارد؟

محدوده مورد مطالعه

شهر ایوان یکی از ۷ شهر استان ایلام به شمار می‌رود و به وسعت تقریبی ۳۷۳ هکتار در ۳۳ درجه و ۵۰ دقیقه عرض شمالی و ۴۶ درجه و ۲۰ دقیقه طول جغرافیایی واقع شده است این شهر مطابق سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۰ دارای ۲۹۴۰۰ نفر جمعیت است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰) و از نظر سلسله مراتب شهری سومین شهر استان ایلام و دارای ۵ محله می‌باشد. محله ۳ که محله مورد مطالعه است از دو بخش قدیم و جدید تشکیل شده است. بخش قدیمی محله در نیمه جنوبی آن قرار گرفته است که هسته اولیه شهر را تشکیل می‌دهد ولی بخش شمالی آن در سالهای اخیر شکل گرفته است، این محله دارای مدرسه ابتدایی و راهنمایی است. خدمات تجاری محله‌ای آن از طریق واحدهای تجاری شکل گرفته در امتداد خیابان شهید چمران و سایر خیابانهای فرعی تأمین می‌شود. اراضی بایر محله به صورت فضاهای متخلخلی هستند که امکان تأمین خدمات سطح محله‌ای را فراهم خواهند ساخت. این محله ۴۹۴۱ نفر جمعیت دارد. مساحت کل این محله ۴۳/۸۷ هکتار و تراکم ناخالص آن ۱۱۲/۶ نفر در هکتار است. از آنجا که مساحت مسکونی این محله ۲۲/۴۳ هکتار است تراکم خالص آن معادل ۲۲۰/۳ نفر در هکتار به دست می‌آید. در شکل شماره (۲) موقعیت جغرافیایی شهر نشان داده شده است.

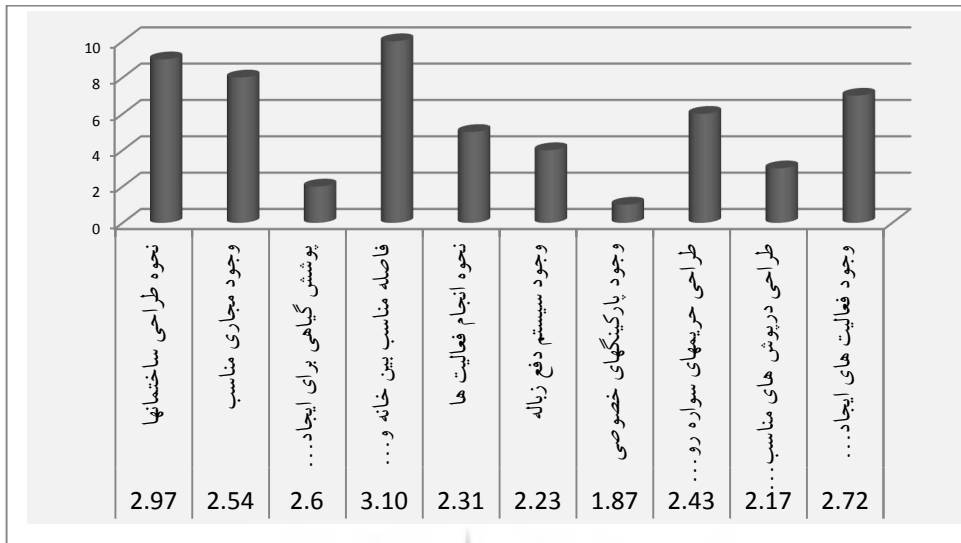
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل شماره ۲: نقشه شهر ایوان (GoogleEarth)

نتایج و بحث

تحقیق حاضر برمبنای تحلیل چهارشاخص اصلی: آسایش، امنیت، خودمانی بودن و دسترسی صورت گرفته است و زیر معیارهای هر کدام از شاخص‌ها در جداول مربوطه مشخص گردیده است. پرسش شوندگان براساس هریک از گویه‌ها، نظرات خود را مطرح نمودند که حاصل آنها براساس شاخص‌های اصلی قید شده است. به منظور تحلیل آماری نظرات ارائه شده، ابتدا شاخص‌های مربوط به محله سالم با استفاده از آزمون T مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. این تحلیل ابتدا برای متغیرهای تشکیل دهنده هر کدام از شاخص‌های چهارگانه، به صورت مقدار ویژه و میزان انحراف از معیار مورد ارزیابی قرار گرفته است. سپس به اولویت‌بندی شاخص‌ها بر اساس رضایت شهروندان از این شاخص‌ها در قالب آماره نهایی T پرداخته شده است. تحلیل اولویت متغیرهای مربوط به شاخص آسایش جهت دستیابی به محله سالم در شهر ایوان نشان می‌دهد که فاصله مناسب بین کانون‌های فعالیت و سکونت، وجود فعالیت‌های ایجاد کننده سروصدا و مزاحمت در سطح محله و طراحی مجاری‌های مناسب جهت دفع آب‌های سطحی از متغیرهای مهم آسایش محله‌ای از دیدگاه شهروندان محله ارزیابی شده‌اند. شکل شماره (۳) رتبه‌بندی نهایی متغیرهای شاخص آسایش محله‌ای در شهر ایوان را نشان می‌دهد.



شکل شماره (۳) رتبه‌بندی نهایی متغیرهای شاخص آسایش محله‌ای در شهر ایوان
ترسیم: نگارندگان

از دیدگاه شهروندان، میزان محفوظیت و محصوریت فضاهای خصوصی مثل خانه‌ها نسبت به فضاهای عمومی، وجود نور و چراغ برق به اندازه کافی برای حرکت در شب در سطح محله، وضوح و آشکاری در مبادی ورودی محله و فعالیت فروشگاه‌ها در تمام شب در محیط محله از جمله متغیرهای با اهمیت در ایجاد امنیت محله‌ای در محله ۳ ایوان می‌باشد. شکل شماره (۴) رتبه‌بندی نهایی متغیرهای شاخص امنیت محله‌ای در شهر ایوان را نشان می‌دهد.



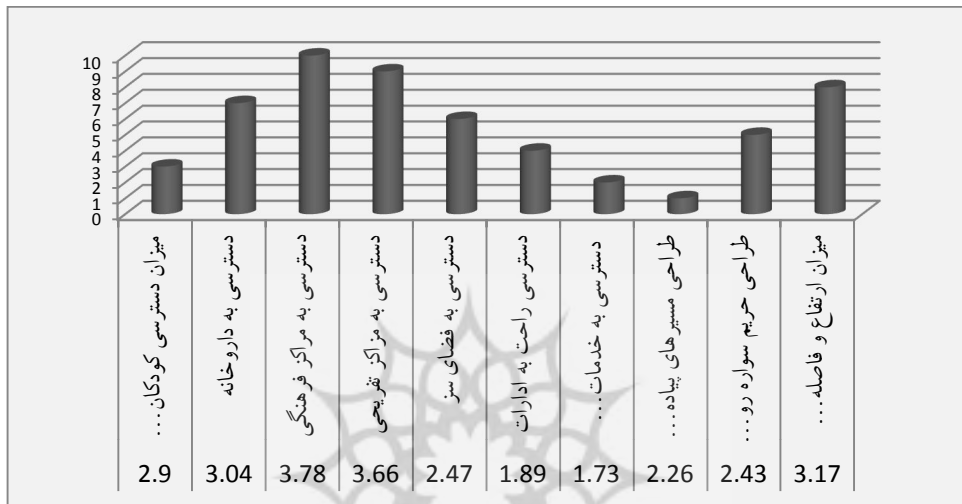
شکل شماره (۴) رتبه‌بندی نهایی متغیرهای شاخص امنیت محله‌ای در شهر ایوان
 مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان

تحلیل اولویت متغیرهای مربوط به شاخص خودمانی بودن محله ۳ شهر ایوان نشان می‌دهد که متغیرهای چون فعالیت و جنب و جوش ساکنان و غالباً جوانان در سطح محله، استفاده از فضاها و پارک‌های تفریحی در محله و امکان تردد راحت زنان و سالمندان در محله از دیدگاه شهروندان از مهمترین متغیرها می‌باشند. شکل شماره (۵) رتبه‌بندی نهایی متغیرهای شاخص‌های خودمانی بودن در شهر ایوان را نشان می‌دهد.



شکل شماره (۵) رتبه‌بندی نهایی متغیرهای شاخص خودمانی بودن در شهر ایوان
 مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان

متغیرهایی چون نزدیکی به مراکز فرهنگی مثل کتابخانه و سینما، وجود کافی مراکز تفریحی در محله و میزان ارتفاع و فاصله ساختمانها با فضای محله جهت راحتی از مهمترین متغیرهای سازنده شاخص دسترسی می‌باشند. شکل شماره (۶) رتبه‌بندی نهایی متغیرهای شاخص دسترسی محله‌ای در شهر ایوان را نشان می‌دهد.



شکل شماره (۶) رتبه‌بندی نهایی متغیرهای شاخص دسترسی در شهر ایوان

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان

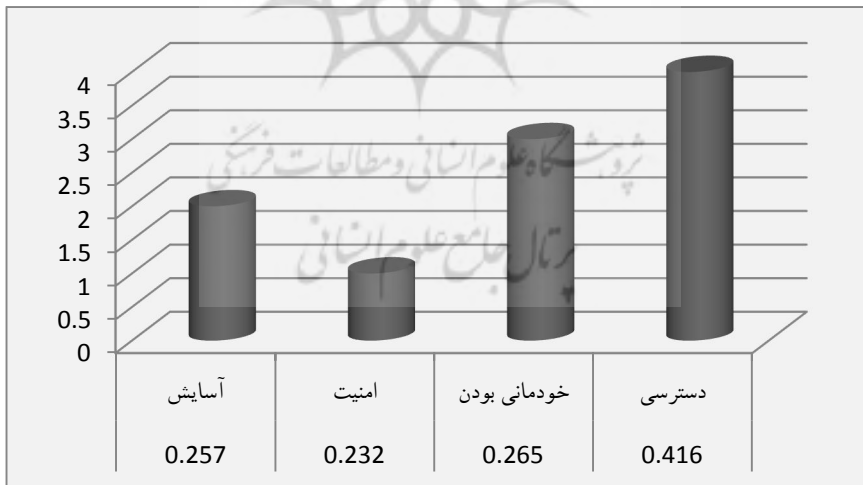
شاخص دسترسی مطابق با نظرات شهروندان و با توجه به میزان اوریب و اختلاف از میانگین به دست آمده از اولویت بیشتری نسبت به دیگر شاخص‌ها برای دستیابی به محله سالم در محله ۳ شهر ایوان می‌باشد. خودمانی بودن محله امنیت و آسایش محله‌ای به ترتیب با توجه به نتایج نهایی آماره T در اولویت‌های بعدی قرار دارند. در ادامه جهت تحلیل میزان تأثیر شاخص‌ها در دستیابی به محله سالم در محله ۳ شهر ایوان از مدل برازش رگرسیونی استفاده شده است (جدول ۳).

جدول ۳: تحلیل رگرسیونی تأثیر شاخص‌های منتخب بر محله سالم

سطح معنی داری	t	ضریب استاندارد شده	شاخص
		بتا	
۰/۰۰۰	۱/۰۵	۰/۲۵۷	آسایش
۰/۰۰۱	۲/۷۴	۰/۲۳۲	امنیت
۰/۰۰۲	۵/۱۰	۰/۲۶۵	خودمانی
۰/۰۰۱	۱/۴۲	۰/۴۱۶	دسترسی

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان

تحلیل رگرسیونی داده‌ها نشان می‌دهد که با سطح اطمینان ۰/۹۵ شاخص‌های پژوهش در سالم سازی محله ۳ شهر ایوان تأثیر مستقیم دارند. در این بین ۱ درصد تغییر در انحراف معیار حدود ۰/۲۵۷ در شاخص آسایش، ۰/۲۳۲ در شاخص امنیت، ۰/۲۶۵ در شاخص خودمانی بودن و ۰/۴۱۶ در دسترسی محله تغییر ایجاد می‌کند. مطابق با تحلیل‌های صورت گرفته در بین شاخص‌های پژوهش مطابق میزان بتا شاخص دسترسی با میزان ۰/۴۱۶ بیش از بقیه شاخص‌ها در سالم سازی محله ۳ شهر ایوان تأثیر دارند. شکل شماره (۷) رتبه‌بندی نهایی شاخص‌های سلامت محله‌ای در شهر ایوان را نشان می‌دهد.



شکل شماره (۷) رتبه‌بندی نهایی شاخص‌های سلامت محله‌ای در شهر ایوان
مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، ابتدا شاخص‌های مربوط به محله سالم با استفاده از آزمون T مورد تحلیل قرار گرفت. سپس به اولویت‌بندی شاخص‌ها بر اساس رضایت شهروندان از این شاخص‌ها در قالب آماره نهایی T پرداخته شد.

تحلیل نهایی اولویت شاخص‌های سلامتی محله‌ای در محله ۳ شهر ایوان نشان می‌دهد که شاخص دسترسی مطابق با نظرات شهروندان و با توجه به میزان اوریب و اختلاف از میانگین به دست آمده از اولویت بیشتری نسبت به دیگر شاخص‌ها برای دستیابی به محله سالم در محله ۳ شهر ایوان برخوردار بود. تحلیل اولویت متغیرهای دسترسی از دیدگاه شهروندان در محله ۳ شهر ایوان نشان می‌دهد که متغیرهایی چون نزدیکی به مراکز فرهنگی مثل کتابخانه و سینما، وجود کافی مراکز تفریحی در محله و میزان ارتفاع و فاصله ساختمانها با فضای محله جهت راحتی از مهمترین متغیرهای سازنده شاخص دسترسی می‌باشند.

خودمانی بودن محله، امنیت و آسایش محله‌ای به ترتیب با توجه به نتایج نهایی آماره T در اولویت‌های بعدی قرار داشتند. تحلیل اولویت متغیرهای مربوط به شاخص خودمانی بودن محله ۳ شهر ایوان نشان می‌دهد که متغیرهایی چون فعالیت و جنب و جوش ساکنان و غالباً جوانان در سطح محله، استفاده از فضاها و پارک‌های تفریحی در محله و امکان تردد راحت زنان و سالمندان در محله از دیدگاه شهروندان از مهمترین متغیرها می‌باشند.

در ادامه، جهت تحلیل میزان تأثیر شاخص‌ها در دستیابی به محله سالم در محله ۳ شهر ایوان از مدل برازش رگرسیونی استفاده شده است. تحلیل رگرسیونی داده‌ها نشان می‌دهد که با سطح اطمینان ۰/۹۵ شاخص‌های پژوهش در سالم سازی محله ۳ شهر ایوان تأثیر مستقیم داشتند. در این بین ۱ درصد تغییر در انحراف معیار حدود ۰/۲۵۷ در شاخص آسایش، ۰/۲۳۲ در شاخص امنیت، ۰/۲۶۵ در شاخص خودمانی بودن و ۰/۴۱۶ در دسترسی محله تغییر ایجاد می‌کرد. مطابق با تحلیل‌های صورت گرفته در بین شاخص‌های پژوهش مطابق میزان بتا شاخص دسترسی با میزان ۰/۴۱۶ بیش از بقیه شاخص‌ها در سالم سازی محله ۳ شهر ایوان تأثیر داشتند.

نتایج تحقیق حاضر، در مقایسه با سایر تحقیقات، همخوانی بیشتری با مطالعات کافی و فتحی داشت. به این دلیل که به موضوعات کالبدی محیط شهری اهمیت خاصی می‌داد و شاخص دسترسی نیز در بین شاخص‌های دیگر از اهمیت ویژه‌ای در سلامت محله از دید شهروندان داشته است. این دسترسی شامل دسترسی به سایر افراد، فعالیت‌ها، منابع، خدمات، اطلاعات و اماکن می‌باشد.

نظر به این که شهروندان ایرانی در طول تاریخ به ارتباط صمیمی با همسایگان و مشارکت در غم و شادی یکدیگر خو گرفته و آن را جزئی از رفتار منطبق با آموزه‌های دینی خود می‌دانند و همچنین یافته‌های تحقیق حاضر، این دیدگاه را که هر اندازه محلات به لحاظ کالبدی، از انسجام کامل‌تری برخوردار باشند و دسترسی افراد به یکدیگر و به مراکز فعالیت بیشتر باشد سلامت محله بیشتر تضمین می‌گردد. این موضوع با دیدگاه کلارنس پری در نظریه واحد همسایگی سنخیت بیشتری نشان می‌دهد.



منابع و مآخذ:

- ۱- ابراهیم زاده، ع.، آهار، ح.، طهماسبی، ف.، منوچهری، ا.، شهناز، ع.، ۱۳۹۳. تحلیل کیفیت زندگی در دو بافت قدیم و جدید شهر مراغه با بهره‌گیری از مدل‌های آنتروپی و الکترو. فصلنامه آمایش محیط. ۲۶(۷)، صص: ۱۸-۱.
- ۲- بصیرت، م. ۱۳۸۴. «بازتولید مفهوم محله در شهرهای تاریخی ایران بر پایه اصول نوشهرسازی» پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه شهرسازی، تهران: دانشگاه تهران.
- ۳- پاکزاد، ج. ۱۳۸۶. «راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران» انتشارات شهیدی. ۴۷۰ صفحه.
- ۴- توکلی‌نیا، ج و استادی سیسی، م. ۱۳۸۸. «تحلیل پایداری محله‌های کلان شهر تهران با تأکید بر عملکرد شورایی‌ها(نمونه موردی: محله‌های اوین، درکه و ولنجک)» پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۷۰(۴۹)، صص: ۴۳-۲۹.
- ۵- تقوایی، م و کیومرثی، ح. ۱۳۹۰. «سطح‌بندی محلات شهری بر اساس میزان بهره‌مندی از امکانات و خدمات شهری با بهره‌گیری از تکنیک تاپسیس(مطالعه موردی: محلات شهر آباد)» مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۵(۲)، صص: ۴۲-۲۳.
- ۶- جعفری، س. ۱۳۸۹. «امنیت در محلات مسکونی» فصلنامه گزارش، شماره‌ی ۶۴ و ۶۵، صص: ۴۱-۲۲.
- ۷- حسینی، س.، باقریان، خ. ۱۳۹۳. تحلیلی بر مؤلفه‌های سازنده کیفیت زندگی در شهر نوشهر، فصلنامه آمایش محیط. ۲۷(۷)، صص: ۵۵-۷۸.
- ۸- چپمن، د. ۱۳۸۴. «آفرینش محلات و مکان‌ها در محیط انسان ساخت» همایش توسعه محله‌ای، چشم‌انداز توسعه پایدار شهر تهران، مرکز تحقیقات و مطالعات امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.
- ۹- حاجی‌پور، خ. ۱۳۸۵. «برنامه‌ریزی محله مبنا رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار» نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶، صص: ۴۷-۳۶.
- ۱۰- دیکنز، پ. ۱۳۷۷. «جامعه‌شناسی شهری» ترجمه حسین بهروان، مشهد: انتشارات به نشر.
- ۱۱- ذاکر حقیقی، ک.، جمالی پور، م.، ۱۳۹۴. مدل ارزیابی کیفیت زندگی در محلات از پیش‌اندیشیده شده (نمونه مطالعاتی: محله کوی ملت اهواز). فصلنامه آمایش محیط. ۲۸(۸)، صص: ۱۴۷-۱۲۵.

- ۱۲- ربانی، ر. ۱۳۸۲. «جامعه شناسی شهری» اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان. ۳۴۰ صفحه.
- ۱۳- زیاری، ک. ۱۳۹۰. «بررسی آسایش و امنیت در محله‌های شهر یزد» پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۷۶(۴۳)، صص: ۱-۱۲.
- ۱۴- زیاری، ک. و جانبابانژاد، م. ح. ۱۳۹۰. «دیدگاه‌ها و نظریات شهرسالم» نشریه شهرداریها، ۹۵(۹)، صص: ۱۴-۲۴.
- ۱۵- زیاری، ک. و جانبابا نژاد، م. ح. ۱۳۹۴. «اصول و معیارهای شهرسالم» فصلنامه سپهر، ۸۲(۲۱)، صص: ۵۶-۵۰.
- ۱۶- سینگری، م و مفیدی شمیرانی، س. م. ۱۳۹۰. «بررسی الگوهای اولیه تأثیرگذار در طراحی محله‌های معاصر با رویکردی بر مفاهیم پایداری» هویت شهر، ۸(۵)، صص: ۸۳-۷۳.
- ۱۷- شیعه، ا. ۱۳۸۵. «خطوط آهن و محله‌های مسکونی در نمونه تهران» نشریه شهرداریها، ۷۳(۶)، صص: ۶۶-۶۰.
- ۱۸- شیعه، ا و همکاران. ۱۳۹۲. «بررسی و تبیین مفهوم محله سالم در محلات سنتی ایران (مطالعه موردی: محله امامزاده یحیی تهران)» فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ۱۷(۵)، صص: ۱-۲۰.
- ۱۹- صرافی، م. ۱۳۷۹. «مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای»، چاپ دوم، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۲۰۲ صفحه.
- ۲۰- عبدالهی، م، صرافی، م و توکلی‌نیا. ۱۳۸۹. «بررسی نظری مفهوم محله و بازتعریف آن با تأکید بر شرایط محله‌های شهری ایران» پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۷۲(۴۲)، صص: ۱۰۳-۸۲.
- ۲۱- عزیزی، م. م. ۱۳۸۲. «تراکم در شهرسازی: اصول و معیارهای تعیین تراکم شهری» تهران: دانشگاه تهران. ۲۸۴ صفحه.
- ۲۲- عینی‌فر، ع. ۱۳۸۶. «نقش الگوی عام اولیه در طراحی محله‌های مسکونی معاصر» نشریه هنرهای زیبا، ۳۲(-)، صص: ۵۰-۳۲.
- ۲۳- کلانتری خلیل‌آباد، ح و ملاحسینی اردکانی، ر. ۱۳۹۱. «تفاوت الگوی شهرسازی در میزان محله‌گرایی نواحی فرهنگی و جغرافیایی مشابه (مطالعه تطبیقی: شهرهای اردکان و میبد)» فصلنامه مطالعات شهرهای ایرانی اسلامی، ۷(۲)، صص: ۵۳-۳۹.

- ۲۴- لینچ، ک. ۱۳۸۱. «تئوری شکل شهر» ترجمه محمود یثربی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ۶۸۰ صفحه.
- ۲۵- مافی، ع و رضوی، م. ح. ۱۳۹۱. «برنامه‌ریزی استراتژیک توسعه محله‌ای با تأکید بر متغیرهای اجتماعی (نمونه موردی: محله طلاب شهر مشهد)» مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ۱۴(۴)، صص: ۱۳۱-۱۱۵.
- ۲۶- مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰.
- ۲۷- معصومی، س. ۱۳۹۰. «توسعه محله‌ای در راستای پایداری کلانشهر تهران» انتشارات جامعه و فرهنگ. ۱۶۰ صفحه.
- ۲۸- نوریان، ف و عبدالهی ثابت، م. م. ۱۳۸۷. «تبیین معیارها و شاخص‌های پایداری در محله مسکونی». نشریه شهرنگار. ۵۰(۹)، صص: ۶۴-۴۹.
- 29- Barton, H., 2004. Shaping neighborhoods' guide for health, sustainability and vitality., Sponpress.
- 30- Chow, K., Healey, M. 2008. Place attachment and place identity: first-year undergraduates making the transition from home to university. Journal of environmental psychology 28.
- 31- Cowan, R., 2005, The Dictionary of Urbanism, London, Street Wise Press.
- 32- Friedman, J. 1993. Toward a non-euclidian mode of planning. JAPA journal, Autumn, pp: 43-44.
- 33- Galster, G., 2001, On The Nature of Neighborhood, Urban studies, V. 12(38), pp. 2111-2124.
- 34- Galster, G., 2007. Are Neighbourhoods Self-stabilising? Exploring Endogenous Dynamics
- 35- Urban Studies, Vol. 44, No. 1, 167-185,
- 36- Jackson, L., van-noordwijk, M. 2010. Biodiversity and agricultural sustainability: from assessment to adaptive management. Current Opinion in Environmental of sustainability, 1:1-8. (<http://www.sciencedirect.com/>).
- 37- Morse, S, F., 2008. Post- sustainable development. Sustainable development, 16, 341-352 (<http://www.interscience.wiley.com/>).

- 38- Townsend, C., L. 2005. Building Great Neighborhood, A Citizens 'Guide for Neighborhood Planning. Michigan : Michigan State University.
- 39- World Health Organizatin.2003.Frequently Asked Question about Community – Based Initiatives, Regional Office for the Eastern Miditerrean Cairo, Nasr City, Egypt.
- 40- Meclaren.V.1996:"Urban Sustainability reporting"journal of the American Planing Associarrion,62(2)pp.183-184.
- 41- Wheeler, S., M.2004."Planning for Sustainability" Routledge, London and NewYork.
- 42- Disorder Perceptions and Personal Health, Depression, and Anxiety. Social Science Research, 41(6), 1515–1528.



تحلیلی بر رابطه حکمروایی خوب شهری و عدالت اجتماعی در فضاهای شهری (مورد مطالعه: شهر فردوسیه - شهرستان شهریار)

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۹۶/۰۳/۰۸

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۱۰/۱۷

- ۱- میثم رضائی* (مدرس گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، ایران)
- ۲- علی شمس‌الدینی (استادیار گروه جغرافیا دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت)

چکیده

امروزه مدیریت یکپارچه در فضاهای شهری، حکمروایی خوب شهری مدیران را می‌طلبد و تحقق این امر عدالت اجتماعی را در فضای شهری به وجود خواهد آورد و همچنین رضایت کامل در توزیع خدمات و امکانات شهری از مدیریت خوب شهری در فضاهای شهری می‌باشد. پژوهش حاضر به بررسی رابطه حکمروایی خوب شهری و عدالت اجتماعی در شهر فردوسیه واقع در شهرستان شهریار با استفاده از معیارهایی همچون مشارکت، تساوی، اثربخشی، پاسخگویی و امنیت به عنوان متغیر مستقل پرداخته است و از میان این معیارها تأثیرگذارترین معیار را در ایجاد عدالت اجتماعی در شهر فردوسیه شناسایی خواهد نمود. نوع تحقیق در این پژوهش کاربردی و روش آن توصیفی و تحلیلی از نوع رابطه‌ای و مقایسه‌ای است و برای این منظور از داده‌های حاصل از پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری، شامل ساکنان شهر فردوسیه با جمعیت ۳۰۵۷۷ نفر است که با استفاده از آزمون کوکران تعداد ۳۸۴ پرسشنامه در سطح شهر فردوسیه توزیع و داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS بررسی شدند. با توجه به سطح سنجش سؤالات، از آزمون همبستگی پیرسون و برای بررسی میزان تبیین متغیر تحقق عدالت اجتماعی از طریق متغیر مستقل (حکمروایی خوب شهری) از تحلیل رگرسیون چندمتغیره استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد حکمروایی خوب شهری با ضریب ۰/۷۱۲، همبستگی معناداری با میزان تحقق عدالت اجتماعی در شهر فردوسیه دارد و با افزایش میزان حکمروایی خوب شهری از نظر شهروندان، بر میزان تحقق عدالت اجتماعی در سطح شهر فردوسیه افزوده می‌شود و در کل ۴۱/۵ درصد از تحقق عدالت اجتماعی را متغیرهای مستقل حکمروایی خوب شهری باعث می‌شوند و همچنین متغیر تساوی با ضریب رگرسیونی ۰/۴۹۷ بیشترین تأثیر را بر تحقق عدالت اجتماعی در شهر فردوسیه دارد.

واژه‌های کلیدی: حکمروایی خوب شهری، عدالت اجتماعی، شهر فردوسیه، مشارکت، مدیریت شهری.